

... و جاسوسانی که ما را دوست دارند

اس.دی.

و روابط مالی ما وارد کنند. آنها در حرف به حریم شخصی ارج می گذارند اما می گویند که نظارت و مراقبت برای حفظ قانون و نظم، و ارتقاء کارایی اقتصادی، ضروری است. توجیه ای هم که برای این نظارت و مراقبت صورت می گیرد معمولاً مغرضانه و به

خیابان های خوش منظره ی شهر ادینبورگ (اسکانلند) اکنون آوردگاه نبرد غیرعادی از یک جنگ کهن، میان حریم شخصی و قدرت حکومتی هستند. در این خیابان ها، در کلانتری های لوتیان و بوردرز، مشخصات ژنتیکی و دی ان ای مردمان منطقه به طور



نوعی جعلی است، اما شمار فراوانی از مردم متقاعد شده اند که تسلیم کردن حریم شخصی، بهایی است که ما باید برای جامعه ای بهتر و امن تر بپردازیم.

نتیجه این که، بسیاری از کشورها در حال تبدیل شدن به جوامع تحت نظارت هستند. شاید در طول تاریخ هیچگاه این اندازه اطلاعات راجع به کل جمعیت انباشته نشده است. جزئیات مربوط به بزرگسالانی که در کشورهای توسعه یافته از لحاظ اقتصادی فعال هستند بیش از نزدیک به ۴۰۰ بانک اطلاعاتی جمع آوری شده است؛ آن اندازه اطلاعات پردازش شده که می توان درباره ی هر شخص یک کتاب مرجع تکان دهنده تدوین کرد.

همه می دانند که قدرت، توان و سرعت فناوری اطلاعاتی رو به شتاب است. میزان تعرض به حریم شخصی - یا توان بالقوه هجوم آوردن بر حریم شخصی. نیز به همین نسبت رو به افزایش است. اما خطری که برای حریم شخصی به وجود آمده فقط از بابت توان افزایش یافته و هزینه های کاهش یافته فن آوری اطلاعات نیست. جهانی شدن سیستم هایی همچون اینترنت، محدودیت های جغرافیایی (و حفاظت های قانونی) بر سر راه جریان اطلاعات را از میان برداشته است. در همین حال، فن آوری چندرسانه ای که باعث ایجاد شکل های فراوانی از انتقال و بیان اطلاعات و تصاویر شده، دشواری های عظیمی برای قانون گذاران هوادار حفظ حریم شخصی به وجود آورده است.

یک نمونه: شرکت انگلیسی اینفودیسک یک سی دی تولید کرده که به کمک آن می توان اطلاعات مربوط به انتخابات را با اطلاعات دفترچه تلفن و اطلاعات جمعیت شناختی در هم آمیخت.

منظم بایگانی و طبقه بندی می شود.

در طول دو سال گذشته، هرکسی که توسط پلیس ادینبورگ دستگیر یا بازداشت شده، مجبور شده است که آزمایش دی ان ای بدهد. این رویه فقط به بزهکاری های آشکاری همچون قتل، تجاوز یا سرقت محدود نمی شود بلکه خلاف های جزئی همچون تخلفات رانندگی، کش رفتن اجناس از فروشگاه ها و بی نظمی های اجتماعی نظیر برهم زدن آرامش را نیز شامل می شود. جمع آوری و بایگانی مشخصات دی ان ای را باید بی شک در رده ی بارزترین تعرضات به حریم شخصی دانست اما به نظر می رسد که این سیاست از اقبال عمومی چشمگیری برخوردار بوده است. یک همه پرسی که به تازگی صورت گرفته نشان می دهد که نزدیک به سه چهارم مردم محلی مایلند برای مقابله با جرم و جنایت از خیر اطلاعات مربوط به دی ان ای خود بگذرند.

وزارت کشور بریتانیا و دیگر نهادهای دولتی نیز از امکاناتی که آزمایش دی ان ای در اختیارشان قرار می دهد به هیجان آمده اند. طبق قانونی که به تازگی از سوی سازمان حمایت از کودکان به تصویب رسیده همه ی پدراپی که متهم به رها کردن کودک خود هستند باید مورد آزمایش دی ان ای قرار بگیرند. امتناع از انجام این کار، طبق قانون معادل پذیرش جرم است.

شوق دیوانه وار کنونی برای آزمایش دی ان ای صرفاً نشانه ای از یک گرایش گسترده تر در سراسر جهان است. در گذشته، نظارت و مراقبت معطوف به اشخاص یا گروه های خاص بود. در سال های اخیر، دولت ها و سازمان های بخش خصوصی، کوشیده اند این نظارت و مراقبت را تقریباً در همه ی عرصه های زندگی، ارتباطات

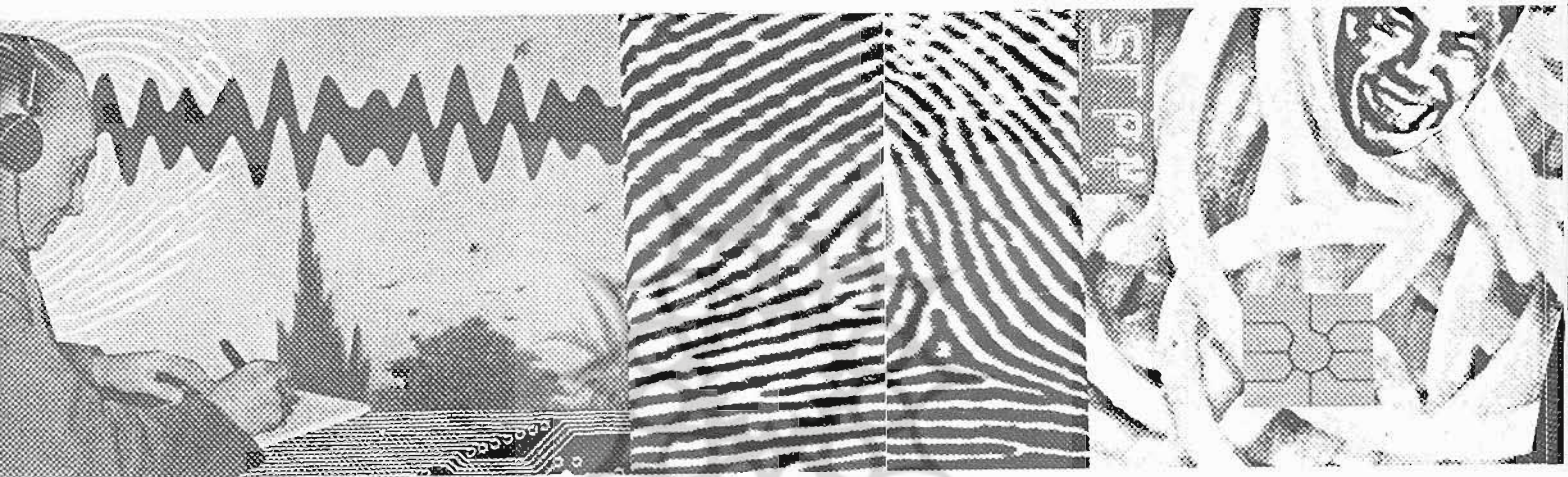
بین! مشکل وجود تروریست هاست؛ آنها هیچ احترامی برای زندگی شخصی آدم قائل نیستند.

آرنولد شوازینگر، هنرپیشه آمریکایی
اتریش الاصل، (۱۹۴۷-)
در فیلم دروغ های راست

حایل کامپیوتری، به کشورهای جهان اول وابسته‌اند. انتقال فن آوری مراقبت و نظارت از جهان اول به جهان سوم (که گاهی از آن به عنوان تجارت سرکوب نام برده می‌شود) اکنون عرصه‌ی پرسودی برای صنایع نظامی است. گرچه شرکت‌های تولیدکننده فناوری‌های اطلاعاتی مدام تولیدات خود را به عنوان ابزاری برای دستیابی به رفاه اجتماعی تبلیغ می‌کنند اما انجمن‌های طرفدار حقوق بشر بطرز فزاینده‌ای این تولیدات را ابزاری برای کنترل سیاسی و اجتماعی قلمداد می‌کنند.

در این شرایط، ستیز و کشمکش برای ایجاد توازن میان استقلال فردی و قدرت حکومتی از همیشه پیچیده‌تر شده است. تعجبی ندارد که هیچ حق اساسی دیگری در حوزه‌ی سیاست‌گذاری‌های عمومی، به اندازه‌ی حق حریم شخصی، چنین پر بحث و جدل و مناقشه‌انگیز نبوده است. گرچه جامعه بین‌المللی به یک اتفاق نظر پایه‌ای در خصوص

به این ترتیب اکنون ساده‌ترین و معصومانه‌ترین اطلاعات مربوط به شما را می‌توان وارد یک دیسک کرد و انواع و اقسام اطلاعات دیگر را فاش ساخت. شماره تلفن شما، بلافاصله به فاش شدن آدرس شما می‌انجامد. نام شما به طور خودکار به فاش شدن اطلاعات شغلی و سنی شما منجر می‌شود. پرواضح است که دست‌اندرکاران فعالیت‌های مالی و اعتباری، کارآگاهان خصوصی، روزنامه‌ها، شرکت‌های بازاریابی و پلیس، همگی از این محصول جدید نهایت استفاده را می‌برند. این مسائل از آن رو حائز اهمیت است که پیوند رو به افزایش اطلاعاتی میان شهروند و حکومت (و البته بخش خصوصی) مثل خوره استقلال آدمی را می‌خورد. همزمان با خودکار شدن تصمیم‌گیری در نهادها، عواملی که بر زندگی ما اثر می‌گذارد، بر پایه توده‌ی فزاینده‌ای از اطلاعات شخصی خصوصی استوار می‌شود. و به همین نسبت، خطر بی‌وطنی یا تبعیض شدت می‌یابد.



شکسته، تبعیض و تفرق‌نازادی رسیده است، اما حریم شخصی از نظر بسیاری از دولت‌ها و شرکت‌ها، لولوی حقوق بشر شمرده می‌شود. با آن که نتایج نظرسنجی‌ها پیوسته نشان می‌دهد که مردم نسبت به حریم شخصی حساس هستند اما مخالفت عمومی حتی در برابر

در کشورهای در حال توسعه، این خطر برجسته است. هویت کامل افراد می‌تواند پیامدهای مرگباری داشته باشد. دولت‌های کشورهای در حال توسعه، برای تأمین تجهیزات شوند، ردیابی یا استراق‌سمع دیجیتال و دستگاه‌های بیماشگر، میکروفن‌های پنهانی و سیستم‌های

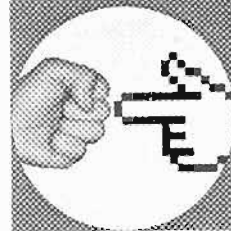
بستر آزادی‌های مدنی

در سطح دولتی و حکومتی شاید به مسأله‌ی حریم شخصی با سوءظن نگریده شود، اما در سطح شخصی، هر کسی مایل است روی برخی از جنبه‌های زندگی خانوادگی و شخصی خود پرده‌ای بکشد.

از برخی جنبه‌ها، حریم شخصی مشابه آزادی است. هرچه کمتر از آن برخوردار باشیم، آسانتر به رسمیت شناخته می‌شود. حریم شخصی نیز درست شبیه آزادی، در فرهنگ‌های متفاوت معانی متفاوتی دارد. در فرانسه، این مفهوم بیش از همه با مفهوم آزادی مدنی معادل است. در آمریکا، حریم شخصی جزء جدایی‌ناپذیر آزادی‌های فردی است؛ بخصوص رهایی از تعرض دولت فدرال. در بسیاری از کشورهای اروپایی، حریم شخصی نوعی حفاظت از اطلاعات شخصی شمرده می‌شود.

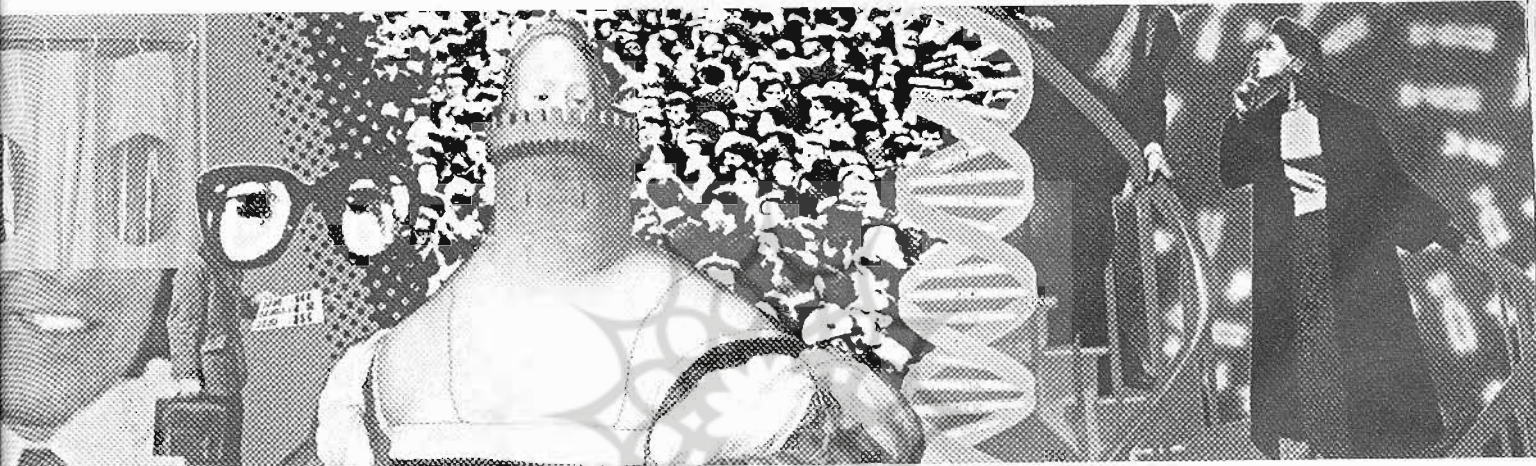
از دیدگاه بسیاری از نویسندگان فرانسوی زبان و انگلوساکسون، حق برخورداری از حریم شخصی، شامل احترام به زندگی خصوصی است؛ این حق که آدم بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند و در عین حال زندگی او (تا آنجا که مایل است) از انتظار عمومی محفوظ بماند. فرناندو ویلیو جیمز، یکی از مبارزان برجسته‌ی دموکراسی در کستاریکا، روزی گفت: «از یک نظر، همه‌ی حقوقی که در حقوق بشر مطرح می‌شود جلوه‌هایی از حق برخورداری از حریم شخصی است.» مصون ماندن حریم شخصی، شیوه‌ای برای کشیدن آن خطی است که جامعه تا آن خط می‌تواند به امور شما متعرض شود. از چنین دیدگاهی، مسأله‌ی حریم شخصی در واقع به مسأله قدرت مربوط می‌شود؛ قدرت آدم و قدرت حکومت، خانواده، کارفرما و همسایه. حتی این حق می‌تواند ملاکی باشد برای نشان دادن این که در نظم نوظهور بین‌المللی، یک ملت تا چه اندازه می‌تواند استقلال داشته باشد.

صاحب‌نظران برجسته‌ی دنیا علیرغم چندین دهه مباحثات دانشگاهی هنوز نمی‌توانند بر سر یک تعریف واحد از حریم شخصی همدستان شوند. آلن وستاین آمریکایی، یکی از صاحب‌نظران پیشگام در این عرصه، حریم شخصی را چیزی می‌شمارد که تا اندازه‌ی فلسفی، مقداری معنایی و بیشتر احساسات ناب پرشور است. دست‌کم در این نکته، همه همدستانند. با این حال، پذیرش و اذعان به مصون ماندن حریم شخصی ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد. در انجیل، اشارات بی‌شماری به این موضوع شده است. در قوانین یهود، از دیرباز مکتوم ماندن مسائلی شخصی از انظار دیگران به رسمیت شناخته شده است. در چین باستان و یونان نیز مصونیت‌هایی در این زمینه وجود داشته است. در سوگند بقراط، که به ۳۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد، پزشکان سوگند می‌خورند که رابطه آنان با بیماران محرمانه بماند. کشورهای غربی صدها سال قوانینی برای مصونیت حریم شخصی داشته‌اند؛ مثلاً قوانینی در مورد دستگیری کسانی که در خانه به حریم شخصی دیگران نگاه می‌کنند یا به استراق‌سمع می‌پردازند. در اوایل قرن نوزدهم، ویلیام پیت نماینده مجلس انگلستان، متن معروف خود را نوشت: «مردمان تهنیدیستی که به کلبه من می‌آیند حق دارند نسبت به همه قدرت‌های سلطنت اعتراض کنند. این کلبه شاید سست‌بنیاد باشد، شاید سقف آن بلرزد، شاید باد در آن پیچد، شاید بادهای توفانی بتواند وارد آن شود، شاید باران بتواند داخل آن شود؛ اما شاه انگلستان نمی‌تواند به آن وارد شود؛ هیچیک از نیروهای او جرأت ندارد که از آستانه‌ی این کلبه‌ی ویرانه قدم به درون بگذارد.» در واقع، حریم شخصی نه مفهومی مدرن است و نه مفهومی غربی. با آنکه موضوع حریم شخصی به عنوان یکی از حقوق بشر هنوز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با حیرت و ناخشنودی نگریده می‌شود، اما این مفهوم برای شهروندان آن فرهنگ‌ها مفهومی آشناست.



برای تعرض به زندگی خصوصی دیگر مردم باشد. اما مناقشه‌ی حریم شخصی، از حد مناقشه بر سر استقلال و هویت این یا آن فرد فراتر می‌رود. حریم شخصی شاخص بنیادین توان مندی یک جامعه‌ی آزاد است. حق برخورداری از حریم شخصی یعنی حق مصون نگهداشتن خودمان در مقابل تعرض دنیای بیرون. این ملاکی است که ما به‌کار می‌گیریم تا خواسته‌هایی را که به ما تحمیل می‌شود محدود کنیم. این حقی است که ما برای دفاع از آزادی شخصی خود، استقلال خود و هویت خود، طلب می‌کنیم. این مبنایی است که براساس آن توازن قدرت میان خودمان و جهان پیرامون مان را ارزیابی می‌کنیم. حریم شخصی همچنین همتای طبیعی آزادی بیان است. این دو حق مساوی و همخوان هستند. حتی فراتر از این، هر دوی آنها

فاحش‌ترین هتک حریم‌ها، پراکنده و بی‌رمق است. در ایالات متحده، انگشت‌نگاری از متقاضیان دریافت بیمه‌ی بیکاری به ندرت موجب حتی نجوای اعتراض‌آمیزی شده است. حال آن که در استرالیا، تلاش‌های دولت فدرال برای به جریان انداختن کارت شناسایی ملی به بزرگترین اعتراض عمومی در تاریخ معاصر این کشور منجر شده است. با این همه، قانون جدید استرالیا مبنی بر ملزم بودن بانک‌ها به گزارش کردن معاملات مشکوک، بدون سروصدا و جلب توجه تصویب شد. تصویب قانونی مشابه همین قانون در ایالات متحده، ۲۵۰ هزار شکایت کتبی را به دنبال داشت. در آلمان و استرالیا، پیشنهادهایی که در زمینه‌ی بکارگیری خدمات دیجیتال تلفنی مطرح شده بود نگرانی‌های وسیعی را بابت حریم شخصی برانگیخت. همین فناوری در بریتانیا بدون کمترین



در درون بافت یک جامعه مدرن، انرژی مضاعفی یافته‌اند. در حالی که جهان آغوش خود را به روی جامعه‌ی اطلاعاتی گشوده و زندگی‌های ما روزبه‌روز به لحاظ الکترونیکی درهم تنیده‌تر می‌شود، نیروهای مبلغ سانسور حریم شخصی را از میان برمی‌دارند؛ و برداشته شدن حریم شخصی نیز سانسور را تقویت می‌کند. در سال‌های آینده مثل روز روشن خواهد شد که این دو حق باید ارکان اصلی هر جامعه آزاد باشند.

توجه یا بحثی به جریان انداخته شد. با این حال، خطرناکترین دشمن حریم شخصی، آن آدم با حسن نیتی است که می‌گوید: «من چیزی برای پنهان کردن ندارم، پس چیزی برای ترسیدن ندارم». هیچ چیز نمی‌تواند از حقیقت فراتر باشد. هر کسی دارای حیطة‌ای از زندگی خصوصی است که باید در مقابل تعرض دیگران مصون بماند. کمتر کسی می‌تواند صادقانه ادعا کند که زندگی وی (جزئیات زندگی خانوادگی، امور مالی و سوابق تندرستی او) یک کتاب گشوده به روی همگان است. حتی اگر چنین هم می‌بود، این آسودگی خاطر نباید توجیهی

ژاپن: بازی‌های دید زدن

تب‌وتاب ابزارها و رشته‌های الکترونیکی توکیو را تسخیر کرده و مردم نه فقط به جاسوسی همسایگان خود بلکه به جاسوسی هنرپیشه‌های مشهور مشغولند

مایکل تمان و ایوز بوگون

روزنامه‌نگاران فرانسوی مقیم توکیو

اما گوشه دیگر مغازه او نیز پرازدهام است؛ همان گوشه که مخصوص فروش ابزارهایی است برای جاسوسی همسران، همسایه‌ها و همکاران، و دوربین‌های مینیاتوری دیجیتالی که می‌توان تصاویر آن را از راه دور تماشا کرد، و همچنین ریزتراشه‌ها، ضبط‌صوت‌های مینیاتوری و رشته‌های الکترونیکی بسیار کوچک که تقریباً غیرقابل رؤیت هستند. محققان و مهندسان در

محله‌ی آکی‌هابارا، منطقه‌ی فروش لوازم الکترونیکی توکیو، از سال ۱۹۹۸ که اقتصاد جدید واقعاً در ژاپن رو به رونق نهاد پرهیاهو بوده است، توشیرو میازاکی، یک فروشنده در مجتمع عظیم عمده‌فروشی لوازم الکترونیکی لاوکس می‌گوید: «رایانه‌ها و تلفن‌های جدید متصل به اینترنت، پرفروشترین محصولات هستند».